

پیش‌بینی تعهد زناشویی براساس سبک

عشق‌ورزی و باورهای ارتباطی

Predicting Marital Commitment on the
Basis of Love Style and Relationship
Beliefs

ابراهیم نامنی^{*}، فاطمه عباسی^{**}، احمد زارعی^{***}

Ebrahim Nameni¹, Fatemeh Abasi², Ahmad Zarei³

Introduction: On the eve of the third millennium, the family is the fundamental social institution and marriage commitment is to maintain the stability and health of the system. Marital commitment means how much your spouse value family relationships and how sustain the marriage incentives. To improve marital and family relations, especially the increase in marital commitment, it is necessary to obtain the relevant information about these structures and to identify factors that affect them. As well as understanding the relationship structures can play a role in education projects and interventions are associated with the satisfaction of couples. Thus, analyzing the factors that play a role in maintaining marital commitment is very important. This study examined two styles of lovemaking and dysfunctional relationship beliefs.

مقدمه: در آستانه هزاره سوم، خانواده به‌عنوان مهم‌ترین رکن جامعه است که تعهد زناشویی در آن باعث حفظ پایداری و سلامت نظام آن می‌شود. بنابراین بررسی عواملی که در حفظ تعهد زناشویی نقش دارند از اهمیت بسیاری برخوردار می‌شود. هدف از پژوهش حاضر نیز بررسی نقش سبک عشق‌ورزی و باورهای ارتباطی در پیش‌بینی تعهد زناشویی است.

روش: پژوهش حاضر یک پژوهش همبستگی است که در بین ۱۰۸ نفر از کارکنان متأهل دانشگاه آزاد واحد اراک با نمونه‌گیری در دسترس اجرا شد. به‌منظور گردآوری داده‌ها از پرسشنامه باورهای ارتباطی، پرسشنامه سبک عشق‌ورزی و پرسشنامه تعهد زناشویی استفاده شد.

یافته‌ها: سبکهای عشق‌ورزی رمانتیک، جنون‌آمیز و فداکارانه پیش‌بینی‌کننده‌های تعهد زناشویی بودند و از بین باورهای ارتباطی غیرمنطقی نیز باور به تخریب‌کنندگی مخالفت پیش‌بینی‌کننده‌های تعهد زناشویی بود.

* دکتر مشاوره، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران
** دانشجوی دکتری مشاوره، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد،

نویسنده مسئول، <abasi.fatemeh@yahoo.com>

*** دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی

واحد تهران مرکز

1. Ph.D in Counseling
2. Ph.D student in counseling,
<abasi.fatemeh@yahoo.com>
3. Ph.D student in sociology

Refers to this love style how people define love or not love. In this study, the order of the Relationship Beliefs is mentality that couple to have their marital relationship and have accepted it as fact. Dysfunctional Relationship Beliefs, including beliefs and thoughts are unreasonable have created problems in relationships. Thus, the aim of this study is to assess the role of love style and relationship beliefs on marital commitment.

Methods: This study is a descriptive correlation study. The population of this study included married employees Azad University of Arak. 108 women (48%) and men (52%) of the sample were selected. The average age of subjects was 39.2 years old, with a standard deviation 5.43 years and the average length of marriage was 16.5 years. After a description of objective research and stressing that the information will remain strictly confidential, participants were asked to anonymously into three questionnaire Relationship Beliefs, love style and marital commitment. Questionnaires' view are as follows: Relationship beliefs list to measure irrational beliefs communication in marriage by Eidelson and Epstein (1982). Subscales of the questionnaire are: Disagreement is destructive, partner cannot change, mind reading is expected, sexual perfectionism, and the sexes are different. Hendrick and Hendrick love style questionnaire by using the Theory of Lee of love built in 1986.

بحث: از آنجا که تعهد به عنوان یک تصمیم برای ادامه زندگی زناشویی محسوب می شود لازم است به زوجها کمک شود تا بدانند ارتباط، مجموعه ای از مهارت‌هاست که می توان آن را یاد گرفت و از این طریق احساس تعهد زناشویی را در خود رشد و تقویت نمایند و در نتیجه به ثبات و پایداری خانواده کمک کنند.

کلید واژه ها: تعهد زناشویی، سبک عشق و ورزی،

باورهای ارتباطی

تاریخ دریافت: ۹۴/۳/۹

تاریخ پذیرش: ۹۴/۱۲/۱۱

مقدمه

تعهد زناشویی قوی ترین و پایدارترین عامل پیش بینی کننده کیفیت و ثبات رابطه زناشویی است (اریگا و آگنو^۱، ۲۰۰۱؛ هیو^۲ و همکاران، ۲۰۰۷). در واقع هر ازدواج موفق سه رکن اساسی تعهد، جاذبه و تفاهم دارد. تعهد به عنوان یک تصمیم برای ادامه زندگی زناشویی محسوب می شود و عبارت است از ارتباط و وابستگی روانی به شریک زندگی (آدامز و جونز^۳، ۱۹۹۷).

تعهد زناشویی به این معنی است که زوجین تا چه حد برای روابط زناشویی خود ارزش قائلند و چقدر برای حفظ و تداوم ازدواجشان انگیزه دارند (آماتو^۴، ۲۰۰۴).

1. Arriaga and Agnew
2. Huei
3. Adams and Jones
4. Amoto

The questionnaire contained 6 styles such as Eros, Storge, Ludus, Mania, Pragma, and Agape. Marital commitment questionnaire of adherence to his wife and marriage measure has been developed by Adams and Jones in 1997. The questionnaire has 44 questions that in a five-point scale, three-dimensional marital commitment includes personal commitment, moral and structural measures. In order to compare the marital commitment, Relationship Beliefs and style of lovemaking between women's and men's t-test was used. To examine the relationship between marital commitment with each of the love styles and relationship beliefs irrational Pearson correlation was conducted to answer the question which of the components of relationship beliefs irrational and style of lovemaking can predict their marital commitment variance from stepwise regression analysis was used.

Findings: In this study, between women and men in terms of irrational Relationship Beliefs sexual perfectionism was significant difference, so that the belief in men than women. It was also found that there was a significant relationship between the duration of the marriage and marital commitment, whatever the duration of the marriage is marital commitment is reduced. The correlation between variables, correlation coefficient marital commitment with the irrational relationship beliefs, the disagreement is destructive equal 0.28

گرچه تعهد یا قصد برای ادامه رابطه، اغلب سازه‌های کلی در نظر گرفته می‌شود اما به سه نوع متمایز تقسیم می‌گردد (آدامز و جونز، ۱۹۹۷؛ کاپینوس و جانسون^۱، ۲۰۰۳).

۱. تعهد به همسر: براساس تمایل به باقی ماندن در رابطه است. ۲. تعهد اخلاقی: مرتبط با تعهدات اجتماعی یا مذهبی است. فرد به‌طور اخلاقی براساس عمل به قول خود، پاسداشت ازدواج به‌عنوان یک نهاد اجتماعی و حفظ ازدواج به‌عنوان یک امر مقدس متعهد می‌شود در رابطه بماند. ۳. تعهد اجباری: براساس احساس به دام افتادگی در یک رابطه و ادامه دادن اجباری به آن به خاطر وضعیت فرزندان، وضعیت مالی و هزینه‌ها و مشکلات موجود در فسخ کردن پیوند است.

مطالعات در زمینه تعهد زناشویی مطرح کردند که سطوح بالای تعهد زناشویی با ابراز عشق بیشتر و رضایت زناشویی همراه است (هیو و همکاران، ۲۰۰۷؛ مسترز^۲، ۲۰۰۸؛ تیلمن^۳ و همکاران، ۲۰۰۸).

1. Kapinus and Johnson
2. Masters
3. Tilghman

and the partners cannot change was 0.24. Stepwise regression results showed that disagreement is destructive belief, as predictor variables, predictors 21% of variance of marital commitment. So that the disagreement is destructive belief and plays a significant role in predicting marital commitment. The correlation between marital commitment was the Eros love style equal 0.49, mania 0.31, agape 0.42. According to the results of Eros, mania, agape love styles are significant predictors of marital commitment.

Discussion: Since the commitment consider as a decision to continue the marriage it is necessary to help couples to learn communication is a set of skills that can be learned and grown and strengthen their marriage therefore contribute to the stability of the family. This can be achieved by implementing training courses for people getting married, to give up their irrational beliefs to change or modify communication. Also, the results of this study confirm the relationship between the lovemaking style and marital commitment to predict the marital commitment. This knowledge helps to provide appropriate strategies be adopted.

Keyword: Love style, Marital commitment, Relationship beliefs

به طوریکه سبکهای عشق‌ورزی بر شناختها و رفتارهایی که انعکاس دهنده رضایت، تعهد و سرمایه‌گذاری در روابط است، تأثیر به‌سزایی دارند و می‌توانند در پیش‌بینی وقوع خیانت زناشویی نقش داشته باشند (فریکر^۱، ۲۰۰۶؛ به نقل از یوسفی و همکاران ۱۳۹۰).

سبک عشق‌ورزی اشاره به این امر دارد که چگونه افراد عشق را تعریف یا عشق‌ورزی می‌کنند (هندریک و هندریک^۲، ۱۹۸۶). نظریه لی از مهم‌ترین نظریه‌هایی که به تبیین سبکهای عشق می‌پردازد، و براساس برآوردهای به‌دست آمده، شش نوع سبک عشق‌ورزی را بیان می‌کند که عبارتند از (نتو^۳، ۲۰۰۱):

۱. عشق رمانتیک (اروس): این نوع عشق توأم با میل جسمی شدید به معشوق است و براساس زیبایی، جذابیت و تناسب جسمی شکل می‌گیرد.

۲. عشق دوستانه (استورگ): نوعی از عشق که طی آن صمیمیتی لذت‌بخش به آهستگی رشد یافته و به طرفین گسترش می‌یابد. در این فرایند به تدریج طرفین، زوایای وجودی خود را بیشتر برای یکدیگر فاش می‌کنند.

1. Fricker
2. Hendrik
3. Neto

۳. عشق بازیگرانه (لودوس): در این شیوه، عشق به‌عنوان یک تفریح تلقی شده و هیچ تعهدی در آن نیست، وضعیتی مانند شرکت در یک بازی و معمولاً کوتاه مدت است و به زودی تمام می‌شود. ۴. عشق جنون‌آمیز (مانیا): حالت شدید هیجانی همراه با حسادت و عشق همراه مشغولیت ذهنی که باعث می‌شود شخص عصبی شده و از طرد شدن بترسد. ۵. عشق عمل‌گرایانه (پراگما): عشق منطقی که در آن شریک رابطه، براساس نیازهای شخص و همخوانی با سن، دین، سوابق و شخصیت انتخاب می‌شود. ۶. عشق فداکارانه (آگاپه): عشق غیرشرطی، همراه با مراقبت از معشوق که با انعطاف‌پذیری و بخشندگی زیاد از حد توأم است. در این نوع عشق خود را فدا کردن وجود دارد.

علاوه بر عشق‌ورزی، باورهای ارتباطی نیز از جمله عواملی است که رابطه زوجین را تحت تأثیر قرار می‌دهد. از دیدگاه درمانگران شناختی، باورهای غیر منطقی به ویژه در زمینه ارتباط، زمینه ساز نارضایتی و مسائل زوجین است (سروستانی^۱، ۲۰۱۱). در واقع بسیاری از واکنشهای نامطلوب و مشکلات، ناشی از باورها و تفکرات غیرمنطقی است و تا زمانی که اینگونه افکار تداوم یابند، مشکلات مربوط به ارتباط، پذیرش و همراهی با دیگران نیز ادامه خواهند یافت (الیس^۲، ۲۰۰۳؛ به نقل از مشتاقی و همکاران، ۱۳۹۲).

باورهای غیرمنطقی، اثربخشی یک ارتباط را تضعیف کرده و موجب عدم درک پیام فرستاده شده یا عدم رمزگشایی صحیح آن می‌شود (حیدری و همکاران، ۱۳۸۱). منظور از باورهای ارتباطی در این پژوهش ذهنیتی است که زن و شوهر درباره ارتباط زناشویی خود دارند و آن را به‌عنوان واقعیت پذیرفته‌اند. منظور از باورهای ارتباطی ناکارآمد، آن دسته از باورها و تفکرات غیرمنطقی هستند که بر اثر استفاده افراطی در روابط افراد ایجاد مشکل کرده‌اند. این باورها بنابر تقسیم بندی ایدلسون و اپستین^۳ (۱۹۸۲) از این قرارند:

1. Sarvestani
2. Ellis
3. Eidelson and Epstein

۱. باور به تخریب‌کنندگی مخالفت، به معنای نپذیرفتن اختلاف نظرها و تفسیر منفی از آنها.
 ۲. باور به عدم تغییر‌پذیری همسر، اعتقاد به توانایی نداشتن همسر در تغییر رفتارها و انتظار تکرار آنها در آینده. ۳. توقع ذهن‌خوانی، انتظار اینکه بدون نیاز به اظهار کردن فرد، همسرش بتواند احساسات، افکار و نیازهای او را بفهمد. ۴. کمال‌گرایی جنسی، انتظار از همسر برای رابطه جنسی در همه شرایط بدون توجه به وضعیت او. ۵. باور در مورد تفاوت‌های جنسیتی، به معنای عدم درک درست از تفاوت‌های شناختی و جسمی زن و مرد و انتظار یکسان داشتن یا علت تفاوت‌های بین دو جنس را تفاوت‌های مادرزاد دانستن.

پژوهش‌های متعددی بر این تأکید دارند که مشکلات رفتاری و تعارضات بین فردی زوجین با باورهای غیرمنطقی آنان مرتبط هستند. به‌طور مثال، پژوهش ادیب‌راد و ادیب‌راد (۱۳۸۴) نشان داد که بین باورهای ارتباطی و دلزدگی زناشویی رابطه وجود دارد. نتایج پژوهش سیف و اسلامی (۱۳۸۷) در مورد نقش باورهای ارتباطی در کارکرد خانواده و سازگاری زناشویی نشان داد که بین خرده‌مقیاس نبود تغییر‌پذیری همسر و سازش‌پذیری زنان رابطه معنی‌داری در جهت معکوس وجود دارد. همچنین بین باورهای ارتباطی و سازش‌پذیری مردان نیز در خرده‌مقیاس‌های نبود تغییر‌پذیری همسر و کمال‌گرایی جنسی همبستگی معکوس و مستقیم وجود دارد. حیدری و همکاران (۱۳۸۴) نشان دادند که بین باورهای ارتباطی با احساسات مثبت نسبت به همسر رابطه وجود دارد. نتایج پژوهش ادیب‌راد و همکاران (۱۳۸۴) نشان داد که بین برخی از باورهای ارتباطی از جمله باور به تخریب‌کنندگی مخالفت و باور به عدم تغییر‌پذیری همسر در زن و شوهرهای مراجعه‌کننده به مراکز قضایی در مقایسه با آنهایی که مایل به ادامه زندگی مشترک هستند، بیشتر است. از سوی دیگر، مینوت^۱ و همکاران (۲۰۱۰) مطرح کردند بین ۸۵ تا ۹۱٪ از افرادی که در آستانه طلاق قرار دارند، در ابتدای روابط زناشویی باورهای منفی و پیش‌بینی‌های غیرمنطقی از رابطه زناشویی داشته‌اند. چون باورهای غیرمنطقی برای زوجین

1. Minnotte

درد و رنج به همراه می‌آورد، به همین سبب از نظر ویکس^۱ (۲۰۰۱) برای درمان تعارضات زناشویی بهترین راهکار، کارکردن روی باورهای ناکارآمد زوجین و تغییر دادن آنهاست (به نقل از مداحی فرد^۲ و همکاران، ۲۰۱۵).

بدین ترتیب، با توجه آنچه که بیان شد و ضرورت اقداماتی برای بهبود روابط زناشویی و خانوادگی و به ویژه افزایش میزان تعهد زناشویی زوجین، لازم است ابتدا اطلاعات مناسبی درباره این سازه‌ها کسب نمود و عوامل تأثیرگذار بر آنها را شناسایی نمود. همچنین درک روابط سازه‌ها، می‌تواند نقش مهمی در طرحهای آموزشی و مداخلات مرتبط با رضایتمندی زوجین داشته باشد. پژوهش حاضر به این پرسش پاسخ می‌دهد که آیا می‌توان براساس سبک عشق‌ورزی و باورهای ارتباطی زوجین، تعهد زناشویی آنها را پیش‌بینی کرد؟

روش

پژوهش حاضر از نوع همبستگی است. جامعه آماری این پژوهش کارکنان متأهل دانشگاه آزاد واحد اراک بودند که ۱۰۸ نفر زن (۴۸٪) و مرد (۵۱٪) به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. پس از شرح هدف پژوهش و تأکید بر اینکه اطلاعات کاملاً محرمانه خواهد ماند، از شرکت‌کنندگان درخواست شد تا بدون ذکر نام به سه پرسشنامه پژوهش پاسخ دهند. پرسشنامه‌های تکمیل شده در همان جلسه یا در مراجعه بعدی جمع‌آوری شدند. جهت تحلیل داده‌ها از شاخصهای آمار توصیفی (میانگین و انحراف استاندارد) و استنباطی (همبستگی، رگرسیون گام به گام و آزمون t مستقل) استفاده شد.

ابزارهای پژوهش شامل موارد زیر بود:

۱- پرسشنامه تعهد زناشویی: این پرسشنامه، میزان پایبندی افراد به همسر و ازدواجشان را می‌سنجد و آدامز و جونز (۱۹۹۷)؛ به نقل از محمدی و همکاران، (۱۳۹۳) تهیه کرده‌اند.

1. Weeks
2. Maddahifard

پرسشنامه دارای ۴۴ پرسش است که در یک مقیاس پنج درجه‌ای ۱ (کاملاً مخالفم) تا ۵ (کاملاً موافقم) سه بعد تعهد زناشویی شامل تعهد شخصی، اخلاقی و ساختاری را می‌سنجد. دامنه کلی نمره افراد بین ۱ تا ۱۷۲ است که نمره بالاتر در این پرسشنامه، بالا بودن تعهد کلی زوجین را نشان می‌دهد. هر سؤال آزمون دارای یک مقیاس پنج درجه‌ای کاملاً مخالفم، مخالفم، نظری ندارم، موافقم و کاملاً موافقم است که به هر گزینه نمره ۱ تا ۵ تعلق می‌گیرد. به گزینه کاملاً موافقم نمره ۵ و به گزینه کاملاً مخالفم نمره ۱ داده می‌شود. اکثر سؤالات پرسشنامه به شکل مستقیم نمره‌گذاری می‌شود و تنها سؤالات ۱۱، ۱۲، ۱۶، ۲۳، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۲، ۳۴، ۳۵، ۳۶ و ۳۸ به‌طور معکوس نمره‌گذاری می‌شوند. آدامز و جونز (۱۹۹۷) پایایی هر یک از مقیاس‌های این آزمون را به این شرح به‌دست آوردند: تعهد شخصی ۰/۹۱، تعهد اخلاقی ۰/۸۹ و تعهد ساختاری ۰/۸۶. در پژوهش محمدی و همکاران (۱۳۹۳) نیز آلفای کرونباخ برای خرده مقیاس‌های تعهد شخصی ۰/۶۶، تعهد اخلاقی ۰/۷۶ و تعهد ساختاری ۰/۷۸ به‌دست آمد. عباسی مولید (۱۳۸۸) نیز ضریب پایایی پس از اصلاح نهایی با روش آلفای کرونباخ برای کل آزمون را ۰/۷۸ گزارش کرد و ضریب پایایی سایر خرده‌مقیاسها بدین شرح بود: تعهد شخصی ۰/۷۹، تعهد اخلاقی ۰/۷۶ و تعهد ساختاری ۰/۸۰. عباسی مولید و همکاران (۱۳۹۲) جهت تعیین روایی پرسشنامه از روش روایی صوری و محتوایی استفاده کردند. بدین صورت که بعد از روایی ظاهری پرسشنامه، روایی محتوا را ۱۰ نفر از اساتید مشاوره دانشگاه اصفهان تأیید کردند. در این راستا، شاخص کاپا که به‌منظور سنجش ضریب توافق بین متخصصان به کار می‌رود، به مقدار ۰/۹۰ به‌دست آمد و برای بررسی پایایی آن روی ۴۰ زوج اجرا و آلفای کرونباخ ۰/۸۵ و ضریب باز آزمایی نیز ۰/۸۶ به‌دست آمد و کلیه ضرایب در سطح کوچکتر از ۰/۰۰۱ معنادار بودند.

۲- پرسشنامه سبک عشق‌ورزی: این پرسشنامه را هندریک و هندریک برپایه الگوی «لی» از عشق در سال ۱۹۸۶ ساخته‌اند. این پرسشنامه دارای ۲۴ ماده است که ۶ سبک عشق‌ورزی از جمله رمانتیک، فداکارانه، دوستانه، واقع‌گرایانه، شهوانی و فداکارانه می‌سنجد. هر یک از این

شش سبک عشق ۴ ماده را شامل می‌شوند که پاسخ به ماده‌ها براساس یک مقیاس ۵ درجه‌ای طیف لیکرت (از کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم) تنظیم شده است و به کاملاً مخالفم نمره ۱ و کاملاً موافقم نمره ۵ تعلق می‌گیرد. نمره بالا در هر یک از این خرده مقیاسها نشان دهنده همان نوع سبک عشق‌ورزی است (رجبی و همکاران، ۱۳۹۱). هندریک و همکاران (۱۹۹۸) ضریب آلفای کرونباخ سبکهای عشق را برای عشقهای رمانتیک ۰/۸۰، بازیگرانه ۰/۸۶، دوستانه ۰/۸۴، عمل‌گرایانه ۰/۷۷، جنون‌آمیز ۰/۶۸ و فداکارانه ۰/۸۷ گزارش کردند. ساختار عاملی این پرسشنامه در جامعه ایرانی را بیات (۱۳۸۷) بررسی کرده و ساختار ۶ عاملی آن تأیید شده است. در این پژوهش مقدار آلفای کرونباخ برای عاملهای عشق فداکارانه ۰/۹۶، بازیگرانه ۰/۷۷، جنون‌آمیز ۰/۷۰، عمل‌گرایانه ۰/۶۷، دوستانه ۰/۶۶ و رمانتیک ۰/۷۷ به‌دست آمد. در پژوهش رجبی و همکاران (۱۳۹۱) ضریب پایایی آلفای کرونباخ برای شش سبک عشق از ۰/۱۵ تا ۰/۸۰ متغیر بود. همچنین، در پژوهش صادقی و همکاران (۱۳۹۲) ضریب پایایی برای خرده مقیاسها پرسشنامه از ۰/۷۱ تا ۰/۸۲ به‌دست آمد. ضرایب روایی همزمان مقیاس سبک عشق‌ورزی در پژوهش عباسی و همکاران (۱۳۹۱) با استفاده از مقیاس ۳۰ ماده ای عشق پرشور هاتفیلد^۱ و اسپریچر^۲ (۱۹۸۶) در سبک عشق رمانتیک ۰/۲۴، بازیگرانه ۰/۱۰، دوستانه ۰/۴۳، عمل‌گرایانه ۰/۱۰، جنون‌آمیز ۰/۴۲ و فداکارانه ۰/۳۸ به‌دست آمد.

۳- پرسشنامه باورهای ارتباطی: این پرسشنامه را آیدلسون و اپستین (۱۹۸۲) به‌منظور اندازه‌گیری باورهای ارتباطی غیرمنطقی در رابطه زناشویی ساخته‌اند و مظاهری و پوراعتماد (۱۳۸۰) با روش ترجمه و ترجمه مجدد به فارسی برگردانده‌اند. طیف پاسخ آن از نوع لیکرت و به‌صورت ۶ گزینه از صفر (کاملاً اشتباه) تا ۵ (کاملاً درست) است. خرده مقیاسهای این پرسشنامه عبارتند از: باور به مخرب بودن مخالفت، باور به عدم تغییرپذیری همسر، توقع ذهن‌خوانی، کمال‌گرایی جنسی، باور در مورد تفاوت‌های جنسیتی. آیدلسون و

1. Hatfield
2. Sprecher

اپستین (۱۹۸۲) در تحقیق خود نشان دادند که پایایی این آزمون با آلفای کرنباخ برای خرده مقیاسها از دامنه ۰/۷۲ تا ۰/۸۱ است. جیمز^۱ و همکاران (۲۰۰۲) برای خرده مقیاسها همسانی درونی ۰/۷۲ تا ۰/۸۱ گزارش کردند. در پژوهش حیدری و همکاران (۱۳۸۴) همسانی درونی خرده مقیاسها از ۰/۴۷ تا ۰/۷۰ به دست آمد.

یافته‌ها

در این پژوهش میانگین سن شرکت‌کنندگان ۳۹/۲ سال با انحراف معیار ۵/۴۳ سال و میانگین مدت تأهل ۱۴/۳ سال با انحراف معیار ۵/۱۶ سال بود. از نظر سطح تحصیلات نیز ۵۶/۸٪ کارشناسی ارشد، ۳۵/۸٪ کارشناسی و ۷/۴٪ فوق‌دیپلم بودند. جهت مقایسه تعهد زناشویی، باورهای ارتباطی و سبک عشق‌ورزی در بین زنان و مردان از آزمون مستقل استفاده شد. نتایج آزمون تنها تفاوت معنی‌داری بین میانگین باور ارتباطی کمال‌گرایی جنسی در دو جنس را نشان داد. به‌طوری‌که این باور در مردان بیشتر از زنان دیده می‌شود ($p < 0/05$). برای بررسی رابطه بین تعهد زناشویی با هر یک از متغیرهای سن، مدت ازدواج، سبک عشق‌ورزی و باورهای ارتباطی غیرمنطقی همبستگی پیرسون انجام گرفت که نتایج آن در جدول (۱) آمده است.

ضریب همبستگی تعهد زناشویی با سن برابر ۰/۲۹، مدت ازدواج ۰/۳۱-، باور ارتباطی تخریب‌کنندگی مخالفت ۰/۲۸، باور عدم تغییرپذیری همسر ۰/۲۴، سبک عشق‌ورزی رمانتیک برابر ۰/۴۹، جنون‌آمیز ۰/۳۱ و فداکارانه ۰/۴۲ بود.

جدول (۱) ضریب همبستگی بین تعهد زناشویی با سن، مدت ازدواج، سبکهای عشق‌ورزی و باورهای ارتباطی غیرمنطقی

متغیرها	سن	مدت ازدواج	عشق رمانتیک	عشق جنون‌آمیز	عشق فداکارانه	تخریب‌کنندگی مخالف	باور به همسر	باور به علم تغییرپذیری
r	۰/۲۹	-۰/۳۱	۰/۴۹	۰/۳۱	۰/۴۲	۰/۲۸	۰/۲۴	۰/۲۴
p	۰/۰۰۸	۰/۰۰۶	<۰/۰۰۱	۰/۰۰۶	<۰/۰۰۱	۰/۰۰۳	۰/۰۱	۰/۰۱

برای پاسخ به این پرسش که کدام یک از مؤلفه‌های باورهای ارتباطی غیرمنطقی و سبکهای عشق‌ورزی توان پیش‌بینی تغییرات پراکنش (واریانس) تعهد زناشویی را دارند، از روش تحلیل رگرسیون گام به گام استفاده شد. باور به تخریب‌کنندگی مخالفت، به‌عنوان متغیر پیش‌بین وارد مدل شد و توانسته است ۲۱٪ از پراکنش تعهد زناشویی را تبیین کند (جدول ۲).

براساس نتایج، باور به تخریب‌کنندگی مخالفت ($\beta = ۰/۲۸$, $p < ۰/۰۰۳$) نقش معنی‌داری در پیش‌بینی متغیر ملاک (تعهد زناشویی) دارد (جداول ۲ و ۳).

نتایج رگرسیون به روش گام به گام نشان داد که ابتدا عشق رمانتیک، به‌عنوان قوی‌ترین متغیر پیش‌بین وارد مدل شده و توانسته است ۲۳٪ پراکنش تعهد زناشویی (متغیر ملاک) را تبیین کند. در گام دوم عشق جنون‌آمیز به مدل اضافه شده است و این دو متغیر، ۲۸٪ پراکنش متغیر ملاک را تبیین می‌کنند. وارد شدن عشق فداکارانه به مدل توانسته است ۳۳٪ به تبیین پراکنش تعهد زناشویی کمک کند. براساس نتایج عشق رمانتیک ($\beta = ۰/۳۳۹$, $p < ۰/۰۰۱$)، عشق جنون‌آمیز ($\beta = -۰/۲۶$, $p < ۰/۰۰۱$) و عشق فداکارانه ($\beta = ۰/۲۷$, $p < ۰/۰۰۳$)، نقش معنی‌داری در پیش‌بینی متغیر ملاک (تعهد زناشویی) دارند (جداول ۲ و ۳).

جدول (۲) همبستگی چندگانه بین متغیرهای تعهد زناشویی، سبک عشق‌ورزی و باورهای ارتباطی غیرمنطقی

گام	متغیرهای پیش‌بین	R	R ²	R ² _{Adj.}
۱	باور به تخریب‌کنندگی مخالفت	۰/۴۶	۰/۲۱	۰/۱۹
۱	عشق رمانتیک	۰/۴۹	۰/۲۴	۰/۲۳
۲	عشق جنون‌آمیز	۰/۵۵	۰/۳۰	۰/۲۸
۳	عشق فداکارانه	۰/۵۹	۰/۳۶	۰/۳۳

جدول (۳) خلاصه نتایج رگرسیونی نقش سبکهای عشق‌ورزی و باورهای ارتباطی در پیش‌بینی تغییرات

تعهد زناشویی

متغیر	B	SES	β	t	p
مقدار ثابت	۱۲۴/۷۱	۱۱/۲۴		۱۱/۰۹	۰/۰۰۰۱
باور به تخریب‌کنندگی مخالفت	۱/۴۲	۰/۴۷	۰/۲۸	۳/۰۳	۰/۰۰۳
مقدار ثابت	۱۲۲/۹۱	۱۷/۰۶		۷/۲	۰/۰۰۰۱
عشق رمانتیک	۳/۹۲	۱/۰۳	۰/۳۳۹	۳/۸	۰/۰۰۰۱
عشق جنون‌آمیز	-۳/۴۴	۱/۰۵	-۰/۲۶	-۳/۲۶	۰/۰۰۱
عشق فداکارانه	۲/۰۸	۰/۶۹	۰/۲۷	۳/۰۱	۰/۰۰۳

بحث

هدف از پژوهش حاضر پیش‌بینی تعهد زناشویی براساس سبک عشق‌ورزی و باورهای ارتباطی بود. بین زنان و مردان از نظر باور ارتباطی غیرمنطقی کمال‌گرایی جنسی تفاوت معناداری دیده شد، به طوری که این باور در مردان بیشتر از زنان بود. کمال‌گرایی جنسی به معنای انتظار از همسر در ایجاد رابطه جنسی تام و تمام در همه شرایط بدون توجه به شرایط

وی است. فرد با این باور حکم می‌کند که باید از نظر جنسی همسرش کامل و بدون نقص باشد تا مورد پذیرش قرار گیرد. تحریف شناختی که در این باور وجود دارد تفکر دو مقوله‌ای است که اگر همسری در رابطه جنسی زناشویی عالی نباشد، ناکام و شکست خورده است. در نتیجه این باور ممکن است زوجین نارضایتی از زندگی زناشویی را به نقص در برقراری رابطه جنسی مطلوب نسبت دهند (شهرستانی و همکاران، ۱۳۹۱). به‌طوریکه این امر ممکن است موجب عدم پایبندی و تعهد به زندگی زناشویی شود. در این مورد استنز^۱ و هامونز^۲ (۲۰۰۱) یکی از علل خیانت در زوجین را کمبودهای جنسی و عاطفی در هر یک از زوجین می‌دانند. بنابراین در مورد زوجهایی که اختلال جنسی خاصی ندارند می‌توان از طریق آموزش ارتباط در زمینه صمیمیت، رفتار جنسی، ابراز عشق و علاقه کمک کرد تا ارتباط بهتری باهم برقرار کنند و تعارضات خود را کاهش دهند.

مشخص شد که بین طول مدت ازدواج با تعهد زناشویی رابطه معنی‌داری وجود دارد، هر چه مدت ازدواج بیشتر باشد تعهد زناشویی کاهش می‌یابد. این نتیجه همسو با نتایج پژوهش شاه سیاه و همکاران (۱۳۹۳) بود. احتمالاً این مورد می‌تواند به علت حضور فرزندان، بیشتر شدن تعارضات زناشویی، مشکلات اقتصادی و ... باشد که در شروع یک زندگی مشترک، هیجان‌ات عاطفی و جنسی باعث مخفی ماندن مشکلات فوق شده ولی با گذشت زمان و کاهش این هیجان‌ات مشکلات بیان شده خود را نمایان می‌سازند.

همچنین بین سن با تعهد زناشویی رابطه معنی‌داری وجود داشت. این نتیجه همسو با نتایج پژوهش محمدی و همکاران (۱۳۹۳) بود. در پژوهش قمرانی و جعفر طباطبایی (۱۳۸۵) نشان داده شد که زوجین جوان و میانسال از نظر تعهد و شهوت متفاوت هستند، در زوجین جوان مؤلفه شهوت و در زوجین میانسال مؤلفه تعهد از سایر مؤلفه‌ها بارزتر است. این امر تلویحی آموزشی نیز به دنبال دارد، بدین معنا که به لحاظ اهمیت و نقش مسائل

1. Stets
2. Hammons

جنسی در زوجین جوان لازم است در آموزشهای ارائه شده به آنها بر سایر مؤلفه‌های روابط نظیر تعهد و صمیمیت نیز تأکید گردد.

طبق نتایج به دست آمده سبک عشق‌ورزی رمانتیک و فداکارانه پیش‌بینی‌کننده تعهد زناشویی بودند. بنابر پژوهش لوی و دیویس^۱ (۱۹۸۸) سبکهای عشق‌ورزی رمانتیک و فداکارانه با گزارش زوج از ویژگیهای رابطه متعهدانه مرتبط هستند. در واقع، سبک رمانتیک و فداکارانه در ویژگی تعهد مشترک هستند که این جنبه در رضایت و ثبات زناشویی نقش ویژه‌ای دارد (مارو^۲ و همکاران، ۱۹۹۵؛ به نقل از مک نالتی و ویدمن^۳، ۲۰۱۳). یافته‌های پژوهش یوسفی و همکاران (۱۳۹۰) نیز نشان داد که سبکهای رمانتیک و فداکارانه ارتباط مثبت با کیفیت زندگی زناشویی دارند. فریکر^۴ (۲۰۰۶؛ به نقل از یوسفی و همکاران، ۱۳۹۰) مطرح می‌کند که سبک عشق‌ورزی فداکارانه به‌طور مثبت با رضایت و تعهد زناشویی رابطه دارد.

در سبک عشق‌ورزی رمانتیک که عشق توأم با میل شدید بدنی به معشوق وجود دارد (نتو، ۲۰۰۱)، ایجاد رابطه متعهدانه و بدون نیاز به جستجوی شور و هیجان از جای دیگر را تسهیل می‌کند (هندریک و هندریک، ۱۹۸۷). بنابراین، افراد با سبک عشق‌ورزی رمانتیک به دلیل سطوح بالاتر رضایت و تعهد، کمترین احتمال درگیر شدن در روابط فرازناشویی را دارند (فریکر، ۲۰۰۶؛ به نقل از یوسفی و همکاران، ۱۳۹۰).

در سبک عشق‌ورزی فداکارانه، منطق بر هیجان برتری دارد و نوع دوستی از ویژگیهای بارز آن است که باعث می‌شود عاشق، نیازهای معشوق را بر نیازهای خود مقدم بداند (نتو، ۲۰۰۱؛ لی^۵، ۱۹۹۸؛ به نقل از فریکر و موری^۶، ۲۰۰۲). افرادی که با این سبک تعریف می‌شوند، خود را بدون انتظار متقابل موظف به عشق‌ورزی می‌دانند و عشق‌ورزی آنها بیشتر به دلایل عاطفی است که ماهیتی آرام و مراقبت‌کننده دارد (هندریک و هندریک، ۱۹۸۷).

1. Levy and Davis
4. Fricker

2. Morrow
5. Llee

3. McNulty and Widman
6. Moore

بنابراین سبک عشق فداکارانه، عشقی غیرمشروط و توأم با انعطاف‌پذیری است که با تعهد همراه است (نتو، ۲۰۰۱).

از نتایج دیگر پژوهش این بود که سبک عشق‌ورزی جنون‌آمیز پیش‌بینی‌کننده تعهد زناشویی است و رابطه به صورت معکوس است. مارور و همکاران (۱۹۹۵؛ به نقل از مک نالتی و ویدمن، ۲۰۱۳) نیز مطرح کردند که سبک عشق‌ورزی جنون‌آمیز با سطوح پایین تعهد رابطه دارد. در تبیین ارتباط منفی سبک جنون‌آمیز و تعهد زناشویی می‌توان گفت سبک جنون‌آمیز با حالات شدید هیجانی همراه با حسادت و مشغولیت ذهنی توأم است و فرد به شدت از طرد شدن می‌ترسد (نتو، ۲۰۰۱). چنین فردی نیاز بسیار در مانده‌کننده‌ای به دوست داشته شدن و دریافت اطمینان بخشی مکرر از عشق طرف مقابل دارد (لی، ۱۹۹۸؛ به نقل از فریکر و موری، ۲۰۰۲). از سویی دیگر، سبک عشق‌ورزی جنون‌آمیز با ویژگیهای شخصیتی وجدان‌گرایی و سخت‌کوشی همراه است که موجب سخت‌گیری زیاد در روابط زناشویی می‌شود (نتو، ۲۰۰۱) و عموماً با الگوی تمایل-اجتناب در روابط زناشویی همراه است (هایتور و روبرت^۱، ۱۹۹۶؛ به نقل از حسینی^۲ و همکاران، ۲۰۱۵). در نتیجه چنین افرادی نمی‌توانند در روابط زناشویی خود انسجام و پایداری لازم را داشته باشند.

همچنین پژوهش نشان داد که باور به تخریب‌کنندگی مخالفت، نقش معنی‌داری در پیش‌بینی تعهد زناشویی دارد. این نتیجه همسو با نتایج پژوهشهایی در زمینه‌های مشابه پژوهش حاضر همچون ادیبراد و ادیبراد (۱۳۸۴)، شایسته و همکاران (۱۳۸۵)، علیپور (۱۳۹۲)، شاکرمی و همکاران (۱۳۹۳)، بالور^۳ (۲۰۰۱) بود. در پژوهش شایسته و همکاران (۱۳۸۵) بین باور «عدم توافق یا اختلاف بین زوجین تخریب‌گر است» با رضایت زناشویی رابطه معناداری وجود داشت. به‌طوری‌که ضریب همبستگی بین رضایت زناشویی و باور

1. Hightower
2. Hosseini
3. Balver

ارتباطی «عدم توافق تخریب‌گر است» برابر ۰/۴۲ بود. نتایج پژوهش ادیبراد و ادیب‌راد (۱۳۸۴) نشان داد که تفاوت معنی‌داری بین دلزدگی زناشویی و باورهای غیرمنطقی در زنان مایل به ادامه زندگی وجود دارد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که باورهای منطقی نقش بسیار مهمی در رضایت و عدم رضایت زندگی و نهایتاً دلزدگی زناشویی دارند. در پژوهشی که بالور (۲۰۰۱) به‌منظور بررسی دلزدگی زناشویی با باورهای غیرمنطقی انجام داد، نتایج نشان داد که هم تفکرات دلزدگی و هم رفتارهای دلزدگی به طرز مثبتی با تفکرات و باورهای غیرمنطقی همبسته هستند.

براساس نظریه عقلانی - عاطفی - رفتاری الیس (۱۹۶۲) داشتن رشته‌ای از افکار و باورهای غیرمنطقی می‌تواند منجر به اختلال در روابط زناشویی گردد. به‌طور مثال وقتی زوجین باور «اختلاف مخرب است» را دارند، به‌گونه‌ای با هم ارتباط برقرار کنند که از درگیری و تعارض به دور باشند و همین منجر به کاهش رضایت زناشویی آنها می‌شود (سلاوینسکین و زاردسکایت^۱، ۲۰۱۲). گاتمن^۲ (۲۰۰۰؛ به نقل از شایسته و همکاران، ۱۳۸۵) در مطالعات خود روی زوجین سازگار و ناسازگار به این نتیجه دست یافت که زوجین خشنود و سازگار نیز در تعاملات خود اختلاف، تعارض و عدم توافق جدی را تجربه می‌کنند. اما زوجین سازگار توان و مهارت مذاکره، گفت‌وگو و حل تعارض را به‌دست آورده‌اند. در زوجین داشتن این باور که «اختلاف مخرب است» موجب می‌شود که اختلاف طبیعی و عدم توافقی کاملاً معمول را به‌عنوان نوعی تنش، ناسازگاری و مشکل اساسی تلقی کرده، با تفسیرهای غیرمنطقی زمینه اجتناب از رویایی با مشکل را فراهم سازد و سوء تفاهمهای بیشتر گردد.

بنابراین زمانی که زوجین بتوانند باور غیرمنطقی «اختلاف مخرب است» را کنار بگذارند و مسائل خود را به شیوه سازنده حل کنند، تعهد آنان به زندگی زناشویی نیز افزایش خواهد

1. Slavinskiene and Zardeckaite
2. Gattman

یافت. این امر در نتایج پژوهش شاکرمی و همکاران (۱۳۹۳) که متغیرهای سبکهای حل تعارض سازنده و غیرسازنده و تحریفهای شناختی بین فردی با تعهد زناشویی همبستگی معنادار دارند، مورد تأیید قرار گرفته است. شفیع‌نیا و حسینیان (۱۳۸۴) نیز طی آموزش مهارتهای حل تعارض، کاهش تعارض زناشویی گزارش دادند. همچنین نتایج پژوهشهای دیگری که به صورت دوره‌های آموزشی در همین زمینه بودند، نشان داده‌اند که تغییر باورهای ارتباطی زوجین در مؤلفه باور به تخریب‌کنندگی مخالفت در بهبود رابطه زوجین مؤثر است (خلعتبری و همکاران ۱۳۸۸؛ جعفری، ۱۳۸۸).

براساس نتایج و پژوهشهای مطرح شده، یکی از مسائل مهم در رشد ارتباط این است که به زوجها کمک شود تا بدانند ارتباط، مجموعه‌ای از مهارتهاست که می‌توان آن را یاد گرفت و از این طریق احساس تعهد زناشویی را در طرفین خود و تقویت نمایند و در نتیجه به ثبات و پایداری خانواده کمک کنند. این امر را می‌توان با اجرای دوره‌های آموزشی برای افراد در حال ازدواج، به انجام رساند تا باورهای ارتباطی غیرمنطقی خود را تغییر یا تعدیل کنند. همچنین، بر مبنای نتایج حاصل از این پژوهش، در تأیید رابطه بین سبکهای عشق‌ورزی با تعهد زناشویی، امکان پیش‌بینی میزان تعهد زناشویی فراهم می‌آید و این آگاهی کمک می‌کند راهبردهای مناسبی در این زمینه اتخاذ شود.

- ادیب راد، ن. و ادیب راد، م. (۱۳۸۴). بررسی رابطه باورهای ارتباطی با دلزدگی زناشویی و مقایسه آن با زنان متقاضی طلاق و زنان خواهان ادامه زندگی مشترک. *تازه‌ها و پژوهشهای مشاوره*، شماره ۴ (۱۳)، ۹۹-۱۱۰.
- ادیب راد، ن.، مهدوی، ا.، ادیب راد، م. و دهشیری، غ. ر. (۱۳۸۴). مقایسه بین باورهای ارتباطی زنان مراجعه کننده به مراکز قضایی و زنان مایل به ادامه زندگی مشترک شهر تهران. *فصلنامه خانواده پژوهی*، سال ۱ (۲)، ۱۳۱-۱۳۸.
- جعفری، ع. ر. (۱۳۸۸). بررسی اثر بخشی آموزش مهارت‌های ارتباطی پیش از ازدواج بر افزایش رضایت زناشویی پس از ازدواج. *فصلنامه علوم رفتاری*، شماره ۳، ۳۳-۵۵.
- حیدری، م.، مظاهری، م. ع. و ادیب راد، ن. (۱۳۸۱). مطالعه مقدماتی نقش آموزش مهارت‌های شناختی زندگی زناشویی در تغییر باورهای ارتباطی دانشجویان. *مجله روانشناسی*، دوره ۶ (۴)، ۳۲۴-۳۳۵.
- حیدری، م.، مظاهری، م. ع. و پوراعتماد، ح. ر. (۱۳۸۴). رابطه باورهای ارتباطی با احساسات مثبت نسبت به همسر. *فصلنامه خانواده پژوهی*، سال ۱ (۲)، ۱۲۱-۱۳۰.
- خلعتبری، ج.، مهدیون، ز. و قربان شیرودی، ش. (۱۳۸۸). تأثیر آموزش برنامه آمادگی ازدواج بر باورهای ارتباطی زوجین. *فصلنامه روانشناسی تربیتی*، سال ۱ (۱)، ۳۲-۴۵.
- رجبی، غ. ر.، عباسی، ق. ا. و خجسته مهر، ر. (۱۳۹۱). آیا دختران عملگراییانه‌تر از پسران هستند؟ مقایسه سبک‌های عشق‌ورزی در میان دانشجویان. *فصلنامه روش و مدل روانشناختی*، سال ۲ (۱۰)، ۱۰۶-۹۵.
- سیف، س. و اسلامی، م. (۱۳۸۷). نقش باورهای ارتباطی در کارکرد خانواده و سازگاری زناشویی. *اندیشه‌های نوین تربیتی*، دوره ۴ (۲)، ۹۹-۱۲۹.
- شاکرمی، م.، زهراکار، ک. و محسن زاده، ف. (۱۳۹۳). بررسی نقش واسطه‌ای سبک‌های حل تعارض در رابطه بین تحریف‌های شناختی بین فردی و رضایت جنسی با تعهد زناشویی. *پژوهش در سلامت روانشناختی*، دوره ۸ (۲)، ۵۱-۶۰.

- شایسته، گ.، صاحبی، ع. و علیپور، ا. (۱۳۸۵). بررسی رابطه رضایت مندی زناشویی با باورهای ارتباطی و انتظارات غیر منطقی زوجین. *خانواده پژوهی*، سال ۲ (۷)، ۲۳۸-۲۲۳.
- شاه سیاه، م.، بهرامی، ف. و محبی، س. (۱۳۸۸). بررسی رابطه رضایت جنسی و تعهد زناشویی زوجین شهرستان شهرضا. *اصول بهداشت روانی*، سال ۱۱ (۳)، ۲۲۳-۲۲۸.
- شهرستانی، م.، دوستکام، م.، رهباندار، ح. و مشهدی، ع. (۱۳۹۱). متغیرهای باورهای ارتباطی و صمیمیت زناشویی در زنان متقاضی طلاق و عادی شهر مشهد. *فصلنامه زن و فرهنگ*، سال ۴ (۱۱)، ۴۱-۱۹.
- شفیعی‌نیا، ا. و حسینیان، س. (۱۳۸۴). بررسی تأثیر آموزش مهارت‌های حل تعارض بر کاهش تعارض‌های زناشویی زنان. *فصلنامه اندیشه‌های نوین تربیتی*، سال ۱ (۴)، ۲۲-۷.
- عباسی مولید، ح. (۱۳۸۸). *بررسی تأثیر آموزش گروهی واقعیت‌درمانی بر تعهد زناشویی زوجین شهرستان خمینی شهر*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه اصفهان، اصفهان.
- عباسی مولید، ح.، فاتحی زاده، م. و قمرانی، ا. (۱۳۹۲). تأثیر زوج درمانی گلاسر بر افزایش تعهد اخلاقی زوجین. *بصیرت و تعلیم اسلامی*، سال ۱۰ (۲۵)، ۸۰-۵۹.
- علیپور، ب. (۱۳۹۲). *بررسی رابطه کارکردهای رضایت جنسی، باورهای ارتباطی، تعارض زناشویی بر تعهد زناشویی دانشجویان متأهل*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علم و فرهنگ، تهران.
- صادقی، م.، احمدی، س. ا.، بهرامی، ف. و اعتمادی، ع. (۱۳۹۲). بررسی تأثیر آموزش به شیوه تحلیل رفتار متقابل بر سبک‌های عشق‌ورزی زوجین. *پژوهش‌های علوم شناختی و رفتاری*، سال ۳ (۲)، ۸۴-۷۱.
- قمرانی، ا. و جعفرطباطبایی، س. (۱۳۸۵). بررسی روابط عاشقانه زوجین ایرانی و رابطه آن با رضایت مندی زناشویی. *تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره*، سال ۵ (۱۷)، ۹۵-۱۱۱.
- محمدی، ب. ف. زهراکار، ک.، داورنیا، ر. و شاکرمی، م. (۱۳۹۳). بررسی نقش دینداری و ابعاد آن در پیش‌بینی تعهد زناشویی کارکنان سازمان بهزیستی خراسان شمالی. *مجله دین و سلامت*، سال ۱ (۱)، ۲۳-۱۵.

- مشتاقی، م.، اتشپور، ح.، اقای، ا. و علامه، ف. (۱۳۹۲). اثربخشی آموزش گروهی انسان‌گرایی بر باورهای ارتباطی مردان، *دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی*. سال ۱۴، شماره ۳ (۵۳)، ۳۲-۴۲.
- مظاهری، م. ع. و پوراعتماد، م. ر. (۱۳۸۰). *مقیاس باورهای ارتباطی*. دانشگاه شهید بهشتی: پژوهشکده خانواده (چاپ نشده).
- یوسفی، ن.، بشلیده، ک. و عیسی نژاد، ا. (۱۳۹۰). رابطه سبکهای عشق‌ورزی و کیفیت زناشویی در میان افراد متأهل. *دوفصلنامه مشاوره کاربردی*، سال ۱ (۱)، ۲۱-۳۶.
- Adams, J. M. & Jones, T. (1997). The conceptualization of marital commitment: An integrative analysis. *Journal of personality and social psychology*, 72, 1177-1196.
- Amoto, P. R. (2004). Studying marital interaction and commitment with survey data. *Journal Marriage Family*, 23, 53-70.
- Arriaga, X. & Agnew, C. B. (2001). Committed: Affective, cognitive, and conative components of relationship commitment. *Pers Soc Psychol Bull*, 27 (9), 1190.
- Balver, R. (2006). Professional nursing Bournhout and Irrational Thinking. *Journal article springer*, 12, 123-125.
- Edelson, R. S. & Epstein, N. O. (1982). Cognition and relationship maladjustment development of a measure of dysfunctional relationship beliefs. *Journal of conseling and clinical psychology*, 50, 715-720.
- Fricker, J. & Moore, S. (2002). Relationship satisfaction: the role of love styles and attachment styles. *A Peer-Reviewed Electronic Journal*, 7 (11), 182-204.
- Hendric, C. & Hendric, S. S. (1986). A Theory and Method of Love. *Journal of Personality and Social Psychology*, 50 (2), 392-402.
- Hendrick, C., Hendrick, S. S. & Dicke, A. (1998). The love attitudes scale: Short form. *Journal of Social and Personal Relationships*, 15, 147-159.
- Hosseini, S. S., Mazaheri, A. R. & Ahadi, H. (2015). Logistic Analysis for Predicting Marital Infidelity Based on Love Styles. *Journal of Review in Life Sciences*, 5 (9), 1029-1034.
- Huei, S. A., Lindsey, C. R. & Elliott, T. R. (2007). Church attendance and marital commitment beliefs of undergraduate women. *Journal of applied social psychology*, 37 (3), 501-514.
- James, S., Huntley, J. & Hems, W. D. (2002). Factor structure of Relationship Belief Inventory. *Cognitive Therapy and Research*, 26 (6), 729-755.

- Kapinus, C. A. & Johnson, M. P. (2003). The utility of family life cycle as a theoretical and empirical tools: Commitment and family life- cycle stage. *Journal of family issues*, 24 (2), 155-184.
- Levy, M. D. & Davis, K. E. (1988). Love styles and attachment styles compared: Their relations to each other and to various relationship characteristics. *Journal of Social and Personal Relationships*, 1 (5), 439-471.
- Maddahifard, R., Rahimi, M., Kazemi Zarif, A. R. & Fattah Moghaddam, L. (2015). The effect of spiritual group therapy on resilience and conflict of women with marital conflict. *Journal of Applied Environmental*, 5 (9S), 326-334.
- McNulty, J. K. & Widman, L. (2013). The Implications of Sexual Narcissism for Sexual and Marital Satisfaction. *Arch Sex Behav*, 42 (6), 1021–1032.
- Minnotte, K. L., Pedersen, D. & Mannon, S. E. (2010). The emotion terrain of parenting and marriage: Emotion work and marital satisfaction. *The Social Science Journal*, 47, 747-761.
- Neto, F. (2001). Love styles of three generations of women. *Marriage & Family Review*, 33, 268-282.
- Sarvestani, P. S. (2011). The effect of irrational beliefs on marital satisfaction between Iranians, European. *Journal of Social Sciences*, 24 (3), 432.
- Stets, J. E. & Hammons, S. A. (2002). Gender, control, and marital commitment. *Journal of Family Issues*, 23 (1), 3-25. (در متن ۲۰۰۱ قید شده).
- Slavinskiene, J. & Zardeckaite, K. (2012). The relations between socio-demographical factors, irrational beliefs, adult insecure attachment style and marital satisfaction of Lithuanian married couples. *Advanced Research in Scientific Areas*, 1, 1042- 47.
- Tilghman-Osborne, C., Cole, D. A., Felton, J. W. & Clesla, J. A. (2008). Relation of Guilt, Shame, Behavioral and Character logical Self-Blame to Depressive Symptoms in Adolescents over Time. *J Soc Clin Psychol*, 27 (8), 809–842.